

الگو برداری از چادر در ساخت مقابر آرامگاهی

The Influence of Central Asian Nomadic Tents on the Structure of the Tombs

Torkan MONAZZAM 

Atatürk University, Erzurum, Turkey

Öz

Orta Asya'nın göçebe Türkleri, Yurt denilen çadırlarda yaşardı. Binlerce atları vardı. Hayvanlarını beslemek için yeşil meralara ihtiyaçları vardı. Bu onların sürekli hareket halinde olmalarını, yeşil alanlar aramalarını gerektiriyordu. Bu göçebe yaşam onları etkilemiş ve komşu halkla ilişki kurmalarını sağlamıştır. Aynı zamanda komşuları da onlardan etkilenmiştir. Bu etkinin bir örneği, İran'ın Kuzeydoğu ve Kuzeybatısında bulunan ve Türk çadırlarından ve mezar höyüklerinden esinlenen mezarların mimarisinde bulunabilir. Bu çalışma, Türk çadır ve mezar yapılarının araştırılması ve benzer unsurlarının ortaya çıkarılması amacını taşımaktadır.

Anahtar Kelimeler: Çadır sembolü, kaide çerçevesi, gömme mesken, kabirler, çadır ve kabirler

Abstract

The nomadic Turks of the Central Asia used to live in the tents called Yurt. They owned thousands of horses. In order to feed their animals they needed green pastures. This required them to be in constant move, searching for green lands. This nomadic life influenced them and put them in contact with the neighboring people. At the same time, their neighbors were also influenced by them. One example of this influence can be found in the architecture of tombs found in the Northeast and Northwest of Iran which were inspired by the Turkic tents and burial mounds. This study is aimed at investigating the structure of Turkic tents and tombs and highlighting their similar elements.

Keywords: Symbol of tent, tenet frame, burial mount, sepulchral tombs, tent and sepulchral tombs.

چکیده

زندگی می کردند. آنان صاحب هزاران راس اسب بودند که (Yurt) مردمان ترک آسیای مرکزی به شیوه کوچ نشینی در مکان هایی به نام چادر برای تامین تغذیه آنها نیاز به زمین های سرسبز داشتند به همین دلیل برای یافتن مکان هایی مناسب دائما در حال کوچ بودند. این کوچ نشینی باعث تاثیر دهنی و تاثیر پذیری بر این مردمان و اقوام اطراف آنان می گشت که نمونه بارز آنرا می توان در نوع معماری مقابر شمال شرق و منتهاالیه و تپه های تدفینی ترکان بود. با مطالعه در اجزای تشکیل دهنده چادر و مقابر می توان (Yurt) شمال غرب ایران یافت که برگرفته شده از چادر عناصر مشابهی در ساختمان آنها (چادر و آرامگاه) یافت. نظریه ای وجود دارد که مبنی بر متاثر شدن آرامگاه ها از چادرهای مردمان ترک آسیای مرکزی است که در این مقاله سعی در اثبات این نظریه . اخیر گشته است

کلید واژگان: نماد چادر، اسکلت چادر، تپه تدفینی (گورکان)، مقابر آرامگاهی، چادر و مقابر آرامگاهی.



مقدمه

چادرها با داشتن عناصری چون بال قابل تطبیق با دیوارهای استوانه ای شکل برج های آرامگاهی به جای مانده از دوره میانه می باشند و بام چادر و نحوه اتصال آن به بال، دقیقاً به گونه ایی است که در معماری مقابر تکرار گشته است تنها تفاوت، در نوع به کارگیری مصالح ساخت آن انجام می Kurgan است. مرحله دفن نیز که در تپه های تدفینی به نام یافته به شکل سردابه های تدفینی در برج های آرامگاهی نمود می یابد که دربرگیرنده جسد و اطافی خالی بر روی آن است که به عنوان یک ترکیب معمارانه از این روش ها در شیوه تدفین استفاده گشته است (هیلس برند، 1387: 273-274).

زندگی در چادر برای انسان های کوچ نشین آسیای مرکزی علاوه بر یک سرپناه و مکانی برای زندگی، حاوی معانی نمادین نیز بود. آنان با تشبیه بام چادر (گنبد) به آسمان و بال چادر به زمین، محل زندگی خود را همانند نیازهایشان به طبیعت (آسمان و زمین) مقدس می شمردند گویی طبیعت (آسمان و زمین) ، خانه (چادر) و طرز دیدگاهشان به زندگی، همگی در هم تنیده شده و یک کلیت واحدی را تشکیل داده بود. چرا که چادر همان (نماد) آسمان و زمین است، یعنی دو عنصر موجود در طبیعت که رزق دهنده آنان می باشد.

در این مقاله ابتدا کلمه چادر از لحاظ ایتمولوژی توضیح داده شده است سپس ساختمان اسکلت بندی چادر همراه با معانی نمادین آن بررسی گشته و در پایان روش های الگو برداری ساخت برج های آرامگاهی از چادر توضیح داده شده است.

مردمان مناطق آسیای مرکزی «انسان های کوچ نشین سوار بر اسب» که نیازهای زندگی خود را به طور مستقیم با (Ögel, 1991: 63) بودند محصولاتی که از طریق خاک و زمین به عمل می آوردند، رفع می کردند. آنان به دلیل صاحب بودن بر ده ها هزار راس اسب، نیاز به مراتع و زمین های سرسبز داشتند. به عبارتی زندگی این انسان ها وابسته به زمین و آسمان بود چراکه مایحتاج گله های . خود را فقط آنان با گذشت (Ögel, 2001: 109) از این دو طریق تامین می کردند زمان و به دلیل خشکسالی منطقه، مجبور به کوچ به مناطق پر آب و حاصلخیز مجاور گشتند که همراه با این کوچ فرهنگ و هنر خود را نیز به آن منطقه به ارمغان می بردند. یکی از پیامدهای زندگی کوچ نشینی ایجاد تغییرات اقتصادی است که نه تنها فرهنگ و هنر خود آنان را تحت تاثیر قرار می داد بلکه مناطق کوچ شده را نیز متاثر از بنابراین تغییرات بوجود (Diyarbakirli, 1972: 23) خود می ساخت آمده در زمینه معماری یکی از عواملی است که دستخوش این نوع جابجایی می باشد. تاثیر معماری خانه کوچ نشینان (چادر) بر معماری آتشکده های دوره ساسانی و مقابر باقی مانده از دوره های میانه دور از ذهن نیست. چرا که نزدیکی جغرافیایی محل زندگی مردمان آسیای میانه و ایران از یک سو و منطقه ای که نخستین مقابر اسلامی در آن یافت شده است، از سوی دیگر دلیل محکمی در تایید این نظریه می باشد (هیلس برند، 1387: 273).

Geliş Tarihi/Received: 22.05.2021

Kabul Tarihi/Accepted: 09.02.2022

Sorumlu Yazar/Corresponding Author:
Torkan MONAZZAM
E-posta: torkan.00749@yahoo.com

Cite this article: Monazzam, T. (2022).
The Influence of Central Asian Nomadic
Tents on the Structure of the Tombs. A
Journal of Iranology Studies, 16, 51-55.



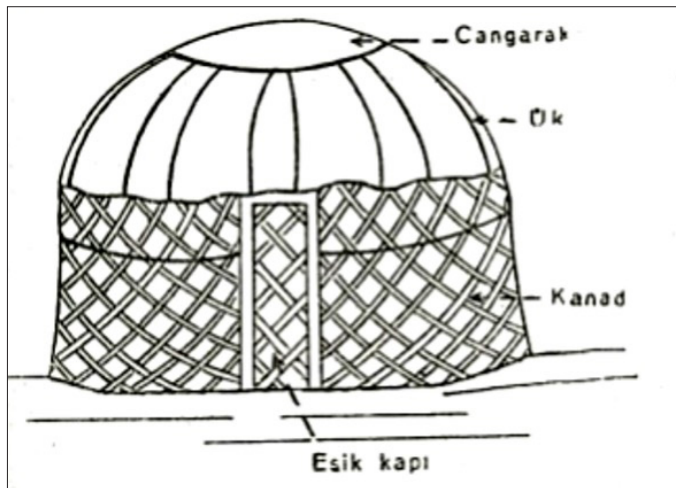
Content of this journal is licensed
under a Creative Commons
Attribution-NonCommercial 4.0
International License.

نماد شناسی چادر

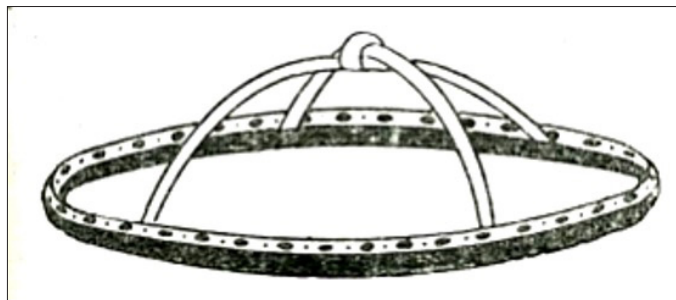
ترکان آسیای مرکزی، معروف به Gök Türk، اعتقادات شامانیستی داشتند و معتقد به Gök Tanrı یعنی خدای آسمان بودند. آنان به تمامی نیروهای طبیعت، نگاه ترس آمیخته با احترام داشتند (Yücel, 2000: 54). بر اساس مطالعه و بررسی تصویری انجام شده در زمینه تاریخ هنر، تصاویر خدای آسمان (Gök Tanrı) بیش از هر چیز نمادین بوده است. بهترین مثالی که میتوان برای آن آورد چادر (Yurt) و یا همان خانه مردمان آسیای مرکزی است که آنرا همانند عالم صغیری بر روی زمین می پنداشتند. بالاخص چادرهایی که بام آنها حالت گنبدی شکل داشت چرا که محل اتصال بام (گنبد) بر بال (Kerege) چادر، تمثیل کننده آسمان و یا به عبارت دیگر خدای آسمان بود. به همین دلیل چادر، اصلی ترین منشاء نماد در بحث معماری محسوب می شود (21-22) (Çoruhlu, 2010).

در تفکر این ملت، جهان کوچک دست ساخته انسان (چادر) انعکاسی از جهان بزرگ است. زیرا با قبول اینکه، با احداث هر نظامی، بن بخشی اساطیری وارد عمل می شود و ذات عمل، ساختن و بنیان گذاری است؛ بنابراین، عمل، حالت آیینی پیدا می کند زیرا آیین تبدیل محتوای اساطیری به عمل است. پس در می یابیم اساطیر، عمل و آیین، هر سه با یکدیگر در ارتباط اند در نتیجه آیین در قلمرو خود همه فعالیت های دینی، هنری، معماری و اجتماعی قومی را دربرمی گیرد. بنابراین هر خانه ای که ساخته می شود، معبدی که برپای می گردد و شهری که بوجود می آید، به عبارت دیگر، هر دنیایی که در بنیان گذاری آن آدمیان نقش داشته اند به نوعی صور اساطیری ازلی در آن تجلی می یابد. به همین دلیل فضای مسکونی، انعکاسی از طرح شهر و شهر انعکاسی از طرح معبد و معبد انعکاسی از طرح نظام کیهانی است چراکه دنیای کوچک دست ساخته انسان طبق صورت های ایده آلی که خود آنرا سازمان یافته می داند، الگویی از جهان بزرگ است (شایگان، 1383: 112-113).

حال با مطالعه چادر از دیدگاه نمادین به چند اصول اصلی پی می بریم: قسمت بال (Kerege) چادر که حالت محاط کننده دارد وسیله ای برای جداسازی فضای داخل آن از محیط اطراف است. این فضا در بین اقوام چادرنشین به اشکال مختلفی همانند دایره، مربع و مستطیل دیده



۱: Kerege Arseven, (۱۹۵۶: ۲۵)



۲: Arseven, (۱۹۵۶: ۲۵) Cangarak تصویر

شده است. شکل مربع (بال چادر) نماد زمین، حالت سکون و ایستایی کمال را القا می کند. مربع، شکلی ضد پویا (آنتی دینامیک) است که در مقابل شکل دایره (گنبد و یا بام چادر) که حالت پویایی و ابدیت دارد قرار می گیرد (شوالیه و گربران، ۱۳۸۱: ۹۱-۸۱). از آن روی که شکل دایره با حرکت و پویایی در ارتباط است، به حرکت درآمدن هر شی دایره شکل به سهولت انجام

اتیمولوژی (ریشه شناسی) کلمه چادر

“می Kiung-lu چینیان قدیم، چادرهای گنبددار دایره ایی شکل هون ها و گوک ترک ها را ” نامیدند که از لحاظ اتیمولوژی به احتمال قوی همان “قبه- در فارسی “گنبد” (هیلن برند، 1387: 256) - است. کلمه قبه به معنی برآمدگی بوده و به هر چیز گنبدی شکل اطلاق می گردد کلمه گنبد نیز که به پهلوی گومیت گفته می شد. (http://www.vajehyab.com/moien/). قبه یک سازه معماری شبیه نیم کره تو خالی است که تاریخ ساخت آن به ماقبل تاریخ می رسد. این http://www.vajehyab.com/dehkodha/ سازه برای اولین بار در ساختمان ها و مقابر به کار گرفته شده است گنبد دربین اعتقادات مردمان آسیای مرکزی قدیم، گنبد آسمان با (http://www.vajehyab.com/dehkodha/). گنبد چادر برابری می کرد. بدین شکل که ترکان اسب سوار به دو دنیا اعتقاد داشتند؛ یکی به اصول زندگی خانوادگی آنها در درون فضای چادر مربوط می شد و دیگری به دنیای خدای بزرگ، که در بالا و پایین گنبد آسمان جای داشت. جایگاه ملت ترک نیز بین زمین و آسمان، در سمت جهات چهارگانه دنیا بود (Ögel, 2001: 109).

در جوامع ترک قدیم از گنبد آسمان درکی سمبلیک داشتند و آنرا همانند “دولت جهان” تلقی می کردند. در اشعاری که به زبان اویغوری از قول اوغوز خان نوشته شده است آمده “آسمان چادرمان، خورشید نیز پرچم مان باشد”. (Ögel, 2006: 161). در اینجا به شکل سمبلیک پرچم دولت ترک به خورشید درخشنده و پر تلالو تشبیه گشته است و گنبد آسمان نیز به گنبد چادر. ملت ترک آسیای مرکزی از آن جهت که مردمی کوچ نشین و دائما در حال حرکت بودند، نوع دیدگاهشان به دنیا متأثر از نحوه ی زندگی ایشان بود. آنان که مردمانی دامدار بودند جز زمین و آسمان بالای سر خود متوجه چیز دیگری نبودند و از نظر آنان “مقدس ترین و قدرتمندترین دارایی طبیعت؛ آسمان بود” (Ögel, 2001: 109).

به همین دلیل کل اعتقادات و سنت این ملت به نوعی با آسمان گره می خورد، آنان زمانی که در چادر نشسته و یا خوابیده اند خود را زیر آسمان فرض می کنند چرا که حالت قوس قبه ی (گنبد) چادرشان به آسمان تشبیه می شود و آنان هر لحظه خود را زیر آسمان حس می کنند و بسیار منطقی است اگر درک آنان از آسمان به شکل دایره باشد.

اسکلت و ساختمان چادر

چادر (Yurt) از دو قسمت تشکیل می شود یکی دیواره ی اطراف (Kerege به معنی بال) و دیگری بام. برای ساخت دیواره ابتدا روی زمین به اندازه ی مساحت چادر مورد دلخواه تیرچه ها را به شکل دایره و به حالت ضربدری روی یکدیگر چیده به گونه ایی که فضای خالی ایجاد شده بین آنها به شکل لوزی می شود سپس از نقاط معین بوسیله ریسمان آنها را به یکدیگر گره زده و با کشیدن آن، تیرچه ها داخل یکدیگر چفت و محکم می شوند و در نهایت به شکل قفس درمی آیند. این تیرچه ها بدون جدا شدن از یکدیگر قابلیت جمع شدن روی هم و شکل دسته شدن را دارند، بدین طریق در زمان کوچ به راحتی قابل حمل توسط حیوانات می باشند. قطر داخلی فضای ساخته شده ۵ الی ۶ متر، بلندی ۲ الی ۲/۵ متر است. محل قرارگیری در، بر روی بال چادر به سمت طلوع خورشید نصب می گردد. این قسمت از چادر به عنوان محل عبور، باز گذاشته می شود و به آن Eşik گفته می شد که در صورت لزوم برای مسدود کردن جلوی آن از نمد مستطیل شکل و یا از فرش کلفت . سنگین استفاده می کردند (تصویر ۱).

ناحیه بام دارای ساختار دایره ایی شکل است که به Cangarak مشهور است. این چرخ مدور در قریزستان، Cangarak در قزاقستان، Şanrak و در بین ترکمنان ایران به Tügñük و یا Tündük معروف است. Cangarak (مدور-گرد) تیرچه ایی مدور با ۷-۸ الی ۰۸ عدد سوراخ است که از هر کدام، یک تیرک منحنی شکل می گذرد. این تیرک های منحنی به Ok معروف هستند که قسمت نوک آنها تیز بوده و داخل سوراخ ها جای می گیرند. در پایان، چرخ توسط ریسمان ها به قسمت بال چادر متصل می گردد. در قسمت راس Cangarak سوراخی (پنجره) به قطر ۲ متر به شکل دایره به منظور نورگیری، تبادل هوا و خارج شدن دود حاصله از پخت غذا، تعبیه شده است که به Tülñük معروف است. این سوراخ نقش تهویه هوا را در چادر ایفا می کند. این پنجره شب ها و نیز هنگام مساعد نبودن هوا توسط نمد مسدود می گردد (تصویر ۲).

بعد از به پایان رسیدن اسکلت چادر، قسمت بیرونی بال توسط لایه ایی از حصیر نازک (Çiy) پوشش داده می شود که بر روی این حصیر پشم ها و یا ابریشم های رنگین همانند یک فرش با زیبایی تمام تزیین می گردد. هر قسمت چادر دارای پوشش مخصوص به خود با اسامی خاص می باشد که بدین طریق تمام اطراف چادر از بام گرفته تا بال، توسط پوشش هایی محاط می گردد. این پوشش های رنگین و شکلی بر روی چادر نقش کاشی روی دیوار بناها را ایفا می کنند (Arseven, 1975: 353-355) (تصویر ۳).

- 1 دولت گوک ترک با اتحاد تیره های اوغوز در سال ۲۵۴ م تأسیس شد و بعد از آنها حاکمیت آسیای میانه در سال ۴۷ م. به اوغوزها انتقال یافت (Celal Esad Arseven, Türk Sanat Tarihi, Milli Eğitim Basimevi, İstanbul 1956, s. 13)
- 2 در بعضی از کتاب ها این اندازه ها به ترتیب از ۵ الی ۷ متر و ۲/۵ الی ۴ متر در تغییر است (Nejat Diyarbakirli, Hun Sanatı, Milli Eğitim Bakanlığı Basimevi, İstanbul 1972, s. 50)
- 3 (چرخ، مدور) نیز از آن کلمه و یا همان معنای خورشید گرفته شده است tekerlek به معنی خورشید است که کلمه Tan, Tangrak فقط در بعضی از گویش ها حرف ت به چ تبدیل شده و کلمه به صورت جانترک درآمده است. (Celal Esad Arseven, Sanat Ansiklopedisi. Cilt: 1, Milli Eğitim Basimevi, İstanbul 1975, s.355)



تصویر ۳: فرشهای مورد استفاده برای پوشش چادر (Arseven, 1906: 25)



تصویر ۴: برگه ایی از ورقه و گلشاه (https://historyontheinternetexpress.tumblr.com/post/۱۸۶۶۴۲۸۴۷۰۰۴/embed/)



تصویر ۵: آتشکده ساسانی در نیاسر (زمرشیدی، ۱۳۷۴: ۴۶)

ساختمان کورگان ها بدین ترتیب است که ابتدا زمینی را به ابعاد ۶۱×۴۱ متر به عمق یک و یا یک و نیم متر (گاهی به دلیل هموار نبودن زمین میزان عمق تغییر می یافت) ایجاد می کردند سپس زیر این قسمت را حفره ایی به عمق ۹ متر حفر می کردند. ارتباط این دو قسمت راست و عمودی نبوده بلکه برای وارد کردن جسد و اشیاء دیگر حالت شیبدار می ساختند و دیواره این ناحیه از چوب پوشانده می شد (تصویر 6). علاوه بر این دیواره چوبی، مجدداً اطراف دیواره دومی

می پذیرد لذا، نه تنها شکل و فرم چادر بلکه نحوه اطراق بعضی قبایل کوچ نشین کنار یکدیگر نیز به حالت دوایر متحدالمرکز انجام می گرفته است (Ersoy, 2007: 156).

محل اتصال بام چادر با بال از اهمیت زیادی برخوردار بود زیرا محل پیوند آسمان با زمین و بطور نمادین یکی شدن دایره با مربع است. این دو شکل جنبه اساسی خداوند محسوب می شوند زیرا دایره نشانگر ملکوت و مربع بیانگر مخلوق بود (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۱: ۹۱). برای مردمانی که با هزاران راس حیوان زندگی می کردند وجود مراتع سرسبز از اهمیت به سزایی برخوردار بود. زیرا آسمان زاینده و فاعل متضمن باروری زمین زاینده و منفعل بود؛ به همین دلیل یکی از عواملی که باعث کوچ مردمان این منطقه به نواحی دیگر می شد عدم مساعد بودن مراتع جهت تهیه غذا برای حیوانات بود.

محل طبخ و یا عامل گرمایش این مردمان، آتش اجاقی بود که زیر سوراخ بالای بام تعبیه شده بود که علاوه بر عمل پخت، مکانی برای عبادت آتش نیز محسوب می گشت (Yücel 2000: 71). همچنین در داخل و قسمت مرکز بعضی از چادرها ستون چوبی دیده می شود که می تواند نمادی از درخت دنیا (کیهان) باشد (Roux, 1972: 75) زیرا بر اساس اعتقادات، این درخت تا ستاره قطبی امتداد یافته و محور و ستون جهان محسوب می گشت. در طول زمان از این درخت گهگاه به "درخت خورشید" نیز نام برده شده است (Çoruhlu, 2010: 98). درخت کیهان سه سطح جهان را به هم پیوند می دهد، زیر زمین را با ریشه هایش، رویه زمین را با ساقه اش و ارتفاعات را با شاخه های بالایی و نوکش که به سمت نور خورشید کشیده شده اند (شوالیه و گریبان، 1388: 188). بنابراین آتش و ستون مرکز چادر تمثیلی از محور کیهانی بودند.

چادر الگویی برای معماری

کوچ هایی که از ناحیه آسیای میانه (دریوند و داریال) به سمت شرق نزدیک انجام یافته است قدمتی 4000 ساله دارد. این مردمان کوچ نشین که از ایل و طایفه خود جدا شده بودند در مناطق مختلفی چون آذربایجان (شمالی و جنوبی)، دامنه های شرق و غرب کوه های زاگرس و به طور عمده قسمت غرب ایران سکنی گزیدند (زهنایی، 1381: 211). بنا به نظریه گیریشمن، باستان شناس فرانسوی، اسکان این مردمان با یک هجوم انجام نیافته است بلکه به شکل تدریجی و در طی صدها سال به طول انجامیده است. اهمیت پایان یافتن حیات قیل از پایان هزاره دوم در بعضی از تپه های ماقبل تاریخ، احتمال آغاز زندگی چادرنشینی را در فلات ایران به همین تاریخ نسبت می دهد. باستان شناسان شوروی با شناسایی بقایای تمدنی که شبیه تمدن گورستان B در تپه سیلک بود، به این فرضیه دست یافتند که این مردمان نه تنها از مسیر راه قفقاز و جلگه شرقی دریای مازندران بلکه از همه راه ها برای ورود به فلات ایران استفاده کردند و در مناطق ذکر شده ساکن گشتند (گیرشمن، ۲۸۳۱: ۱-۹). بنابراین با اندکی دقت در روند تغییر معماری بناها، چگونگی نفوذ منشاء عناصر معماری ترک را؛ در فلات ایران توسط مردمان ترکی که در خراسان زندگی می کردند و به طور مداوم با مردمان سایر مناطق ایران از طریق جنگ و یا تجارت در ارتباط بودند می توان مورد مطالعه قرار داد. بدین ترتیب به مرور در عرصه معماری شاهد صفحه جدیدی از آثار ساسانی و اویغوری، در مکان هایی چون معابد و دیر مسیحیان می شویم (کیانی، 1391: 63-28-16 Arseven, 1956).

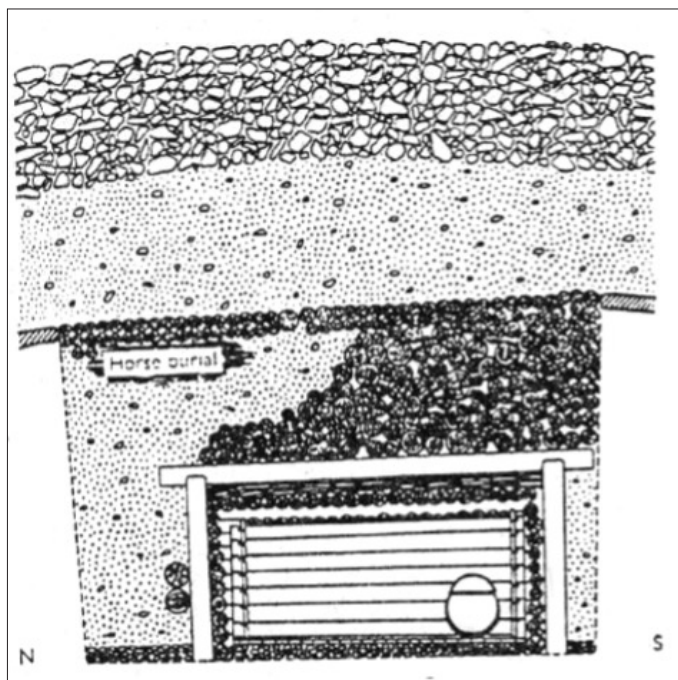
بر اساس تصویر نگارگری به جای مانده از چادرهای ترکان قدیم (تصویر ۴) می توان دریافت که مدل آنها چهار گوشه ای، تیرک دار و یا بدون تیرک بوده است و سقف بر روی چهار تیرک استوار می گشته بدین ترتیب مردمان آنها قادر به برپایی چادرهایی با ابعاد خیلی بزرگ را داشتند. Strzygowski ارتباط آتشکده ها را با این نوع از چادرهای چهار تیرکی بی مناسبت نمی داند (Arseven, 1975: 353). آتشکده های بجای مانده از دوره ساسانی به شکل چهارطاقی-یعنی گنبدی بر بالای چهارپایه بزرگ- نمونه های بارزی از این مثال می باشند. آتشکده ساسانی در نیاسر مربوط به سده دوم از قدیمی ترین بناهای باقیمانده از آن دوره محسوب می شود (پوپ، 1388: 65-71) (تصویر 5).

از آن روی که در اسلام نقش آرامگاه هیچ تفاوتی با معماری تدفینی سایر فرهنگ ها ندارد، لذا در قرن یازدهم ۴ به دلیل اشاعه اعتقادات شعائر دینی (که رو به فزونی یافته بود) ساخت نخستین آرامگاه ها را می توان در نواحی شمال شرق و منتهاالیه شمال غرب ایران یافت. یکی از دلایل محکم نظریه تاثیر قابل توجه نواحی استپ های شمالی و آسیای میانه در روش و سنت تدفین و وارد کردن فکر مقبره به ایران می تواند نزدیکی جغرافیایی به منطقه ای باشد که نخستین مقابر اسلامی ایرانی در آن یافت شده است. لذا با مطالعه دقیق در جزئیات و مقایسه شماری از مقابر می توان شاهد نسخه ای از چادر ترکمنان با اندکی تغییر آن هم در نوع مصالح ساخت آنها (آجر) بود (هیلن برند، 1387: 260-267-273).

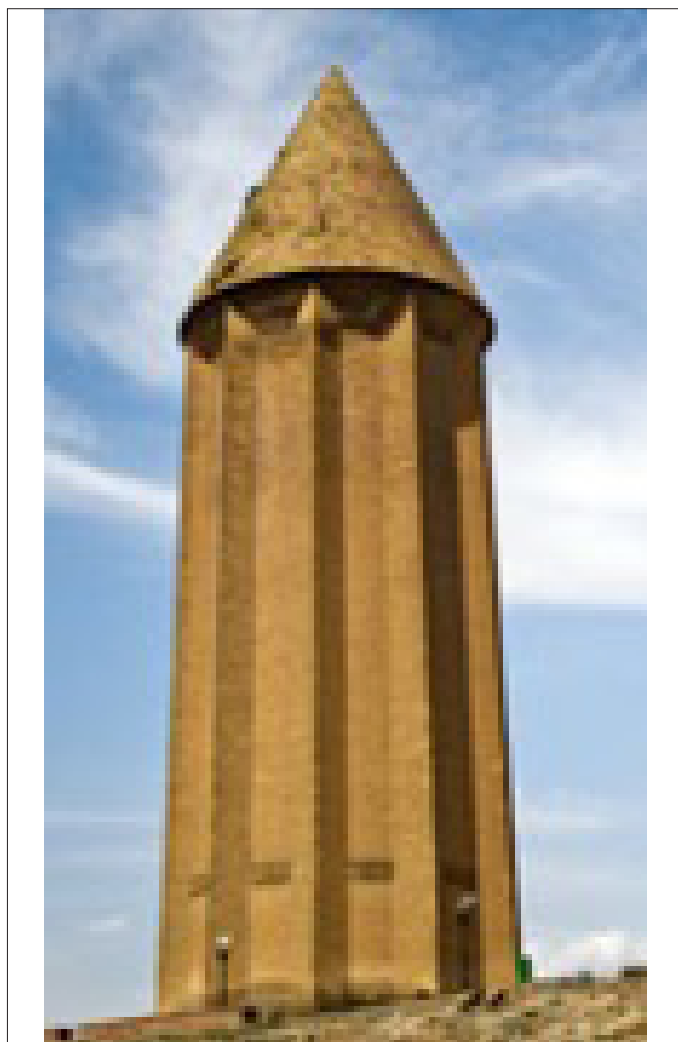
ساختار معماری کورگان

در روزگار پیش از اسلام در بین ترکان آسیای مرکزی مراسم تدفینی کاملاً پیچیده ایی معمول بود که پاره ای از آنها در روزگاری دیرتر نیز قابل مشاهده است. این مردمان در زمان مرگ خان و یا فرد مشهور قبیله نخست جسد را به مدت کوتاهی در چادرش در معرض دید عموم می گذاشتند و بعد آنرا در یک تپه تدفینی (Kurgan) دفن می کردند (کیانی، 1391: 56-66).

4 در منبع دیگر تاریخ نیمه سده ششم هجری دوازدهم میلادی ذکر گشته است (ریچارد آنتینگهاوزن و الگ گرابر، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲: ۲۸۳)



تصویر ۶: کورگان (Çoruhlu, ۵۴: ۱۹۹۸)



تصویر ۷: گنبد قابوس (پوپ، ۱۳۸۸: ۸۷)

از الوارهای چوبی ساخته می‌گشت که تابوت در این مکان در عمیق‌ترین محل حفره قرار گیرد. ابعاد این اتاق (جسد) $۳ \times ۰,۷ \times ۰,۲$ متر بود و جسد در درون تابوتی به همراه اشیاء دیگر مانند نمد و ظروف دفن می‌گشت. روی اتاق جسد را الوارهای چوبی می‌چیدند و بقیه قسمت‌ها را تا سطح زمین با سنگ‌های ریز و درشت پر کرده و عمق یک تا یک و نیم متر از سطح زمین را با سنگ‌های درشت تر می‌پوشاندند (Çoruhlu, 1998: 55-56).

چند نمونه از آرامگاه‌های مقبره‌ای

حال با بررسی بسیار کوتاه از چند آرامگاه مقبره‌ای می‌توان تشابهاتی به لحاظ ساختاری با چادر و تپه‌های تدفینی یافت.

گنبد قابوس در سال 1006-387-385 در نزدیکی گرگان، جنوب شرقی دریای مازندران، بنا گشته است. قسمت داخل این برج به شکل مدور بوده و سطح دیواره خارجی آن با ده شیار به شکل یک ستاره ده پر می‌باشد. طول این برج که به ۱۵ متر می‌رسد (اتینگهاوزن و گرابر، 1378: 304) دارای گنبدی مخروطی شکل است که زیر آن (افریز) کتیبه‌ای به خط کوفی نوشته شده است. این گنبد همچنین دارای سردابه‌ای است که قسمت‌هایی از آن تا به امروز باقی مانده است (تصویر 7).

برج لاجیم به سال 1016-411-407 م. در کوهستان‌های مازندران، نزدیکی قریه لاجیم قرار دارد. این برج با آجرهای تراشیده شده به شکل استوانه‌ای، از داخل سقفی گنبدی و از خارج بامی به شکل مخروط دارد. قطر شبستان داخلی آن 5/47 متر است. در قسمت افریز بنا دو ردیف کتیبه با خطوط کوفی و پهلوی به چشم می‌خورد که با آجر تراشیده شده بر زمینه گچ سفید خودنمایی می‌کند (گدار، 1367: 274-277) (تصویر 8).

برج رادکان به تاریخ 82/680-1281. در نزدیکی مشهد، جنوب شرقی رادکان بنا گشته است. گنبد این بنا مخروطی شکل بوده و تماماً از آجر به طول 22 متر بنا گشته است. زیر گنبد به صورت 36 ترک نیم ستونی ساخته شده است که مقبره یکی از امیران مغول محسوب می‌شود (Diez, 1955: 15) (تصویر 9).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که شاهد هستیم ترکان ساکن منطقه آسیای مرکزی با اعتقادات نمادین گونه‌ای که از قدرت‌های موجود در طبیعت اطراف خود داشتند، آسمانرا به عنوان Gök Tanrı یعنی خدای آسمان دانسته و احترام می‌گذاشتند. از طرف دیگر زمین نیز که از طریق آسمان بارور شده و رزق دام‌هایشان را برآورده می‌ساخت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. آنان از گنبد آسمان به عنوان پوسته سخت و محکم یاد می‌کردند که تحت لوای آن زندگی امپراطوری بر روی زمین ادامه می‌یافت و ترکان نیز به گونه‌ای سمبلیک به این گفته‌ها باور داشتند (Ögel, 2001: 2). نتیجه این افکار سمبلیک و نمادین به چادر یعنی محل زندگی آنها تعمیم می‌یافت. بدین ترتیب که قسمت بال یا بدنه چادر که حالت محاط‌کننده دارد به نوعی محدوده فضا را مشخص کرده و فضای محل زندگی آنها را از قسمت‌های دیگر جدا می‌ساخت. این قسمت که اکثراً به شکل مربع ساخته می‌شد حالت ایستایی داشته و نمادی از زمین بود که در مقابل بام چادر که به شکل گنبد و دایره شکل بود؛ یعنی به عبارتی القاکننده پویایی و حرکت و نمادی از ملکوت؛ قرار می‌گرفت.

حال با تطبیق چادر و بناهای آرامگاهی می‌توان گفت مردمان ترک آسیای مرکزی اندیشه ساخت آرامگاه را به سرزمین ایران آوردند (Pope, 1964: 28). چراکه نزدیکی جغرافیایی آنان به ناحیه‌ای که نخستین آرامگاه‌های اسلامی ایران (نواحی شمال شرق و منتهالیه شمال غرب ایران) در آن یافت شده دلیل محکمی به سود این اندیشه است. مقابر آرامگاهی را می‌توان از دو منظر مورد مطالعه قرار داد. ابتدا نوع معماری مقابر و دیگری محل دفن اجساد در سردابه. با مطالعه معماری آرامگاه‌ها می‌توان دریافت که مقابراز لحاظ ظاهر نمونه‌آجری از چادرها هستند که الگوبرداری شده از آنها محسوب می‌شوند چرا که:

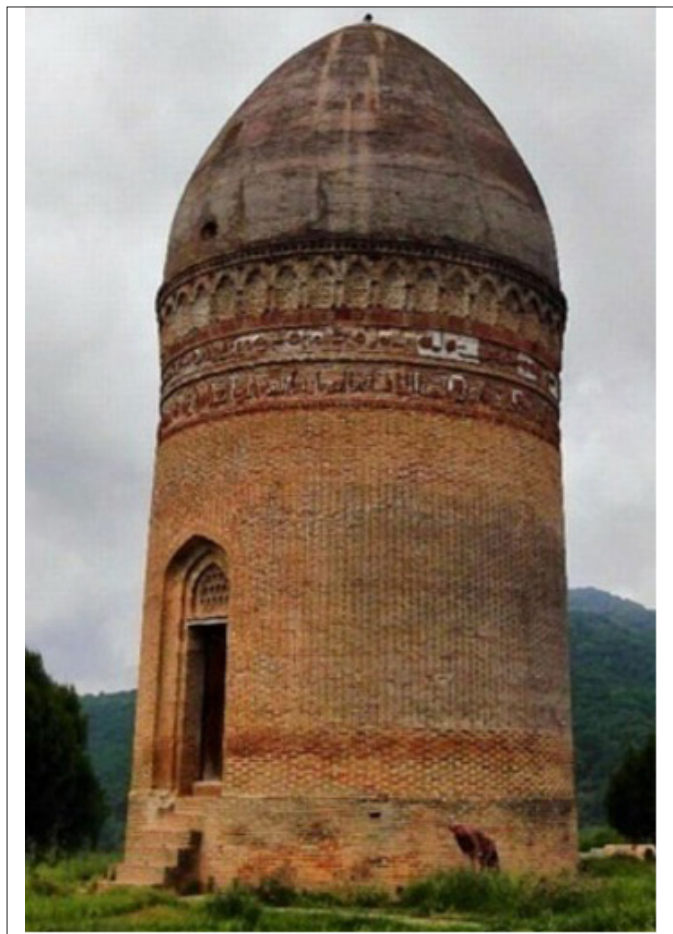
- دیواره مقبره با بال چادر برابری می‌کند و همانند چادر محدوده‌ای را برای فضای خود (به عنوان مقبره) تعریف می‌کند.
- عامل دیگر، بام چادر است که با کلاهک سر مقبره می‌تواند برابر شود.
- یکی از پوشش‌های بیرونی چادر که توجه Strzygowski⁵ را به خود جلب کرده است پوشش محل تلاقی بام با بال است که قزاق-قرقیزها آنرا Tödöge می‌نامند، عثمانیان آنرا سایبان، فرانسویان Lambrequin (1975: 355-357) و در زبان فارسی به افریز مصطلح است. برای تزیین این قسمت از بنا در ممالک اسلامی از آیات قرآنی استفاده شده است که گاه به تنهایی با موزاییک‌های لعابدار و یا با نقش برجسته‌های گچی و گاهی با ترکیب هر دوی آنها (گچ و موزاییک) به چشم می‌خورد.

قسمت بیرونی دیواره چادر نیز با فرش و یا پوشش‌های رنگین و شکلی تزیین می‌یابد که همان نقش کاشی و تزیینات روی دیوار بناهای امروز را ایفا می‌کنند.

5 باستان‌شناس اتریشی (۱۴۹۱-۲۶۸۱). که تحقیقات خود را در زمینه تأثیر معماری ارمانه بر معماری اوایل قرون وسطی در اروپا انجام داد.



تصویر ۸: برج لاجیم (گدار، ۷۶۳۱: ۶۷۲)



۹: برج رادکان (Diez, 1955: 16)

- Arseven, Celal Esad. (1975). *Sanat Ansiklopedisi*. Cilt:1, İstanbul: Milli Eğitim Basımevi.
- Arseven, Celal Esad. (1956). *Türk Sanat Tarihi*. İstanbul: Milli Eğitim Basımevi.
- Çoruhlu, Yaşar. (2010). *Türk Mitolojisinin Ana Hatları*. İstanbul: Kabcacı Yayınevi.
- Çoruhlu, Yaşar. (1998). *Erken Devir Türk Sanatının ABC'si*. İstanbul: Kabcacı Yayınevi.
- Diyarbakırlı, Nejat. (1972). *Hun Sanatı*, İstanbul: Milli Eğitim Basımevi.
- Diez, Ernest. (1955). *Türk Sanatı*. Oktay Aslanapa (Çev.). İstanbul: Doğan Kardeş Yayınları.
- Ersoy, Necmettin. (2007). *Semboller ve Yorumları*. İstanbul: Döence. <http://www.vajehyab.com/moien> 19 مهب 1400
- <http://www.vajehyab.com/dekhoda> 19 مهب 1400
- Ögel, Bahaeddin. (1991). *Türk Kültür Tarihine Giriş*. V.1. Ankara: Kültür Bakanlığı Yayınları.
- Ögel, Bahaeddin. (2001). *Türk Mitolojisi*. V.II, İstanbul: Milli Eğitim Basımevi.
- Ögel, Bahaeddin. (2006). *Türk Mitolojisi*. Ankara: Türk Tarih Kurumu Yayınları.
- Pope, Arthur Upham. (1964). *A Survey Of Persian Art From Prehistoric Times To The Present*. V.III. London: Oxford University Press.
- Roux, Jean Paul. (1972). *Türk Göçebe Sanatının Dini Bakımdan Anlamı*. V.II. İstanbul: Türk Kültürü El Kitabı.
- Yücel, Erdem. (2000). *İslam Öncesi Türk Sanatı*. İstanbul: Arkoloji ve Sanat Yayınları.

در بین ترکان آسیای مرکزی دفن جسد در یک تپه تدفینی به نام کورگان (Kurgan) صورت می یافت. اطاقکی چوبی با عمق ۹ متر در زمین که جسد در درون آن قرار می گرفت. این طرز روش را می توان با برج های آرامگاهی که شامل سردابه های تدفینی جسد و اطاق خالی روی آن است ، مطابقت داد و به عنوان یک ترکیب معمارانه از این روش های تدفینی تعبیر کرد (هیلن برند، 1387: 274-273).

محققین نظریه های مختلفی برای منشاء معماری مقابر آرامگاهی داشته اند که یکی از این نظریه ها متأثر شدن از چادرهای مردمان آسیای مرکزی و نحوه دفن اجساد آنان است. همان گونه که بررسی شد ارتباط بسیار نزدیکی از لحاظ ساختاری می توان بین چادر و کورگان ها با مقابر آرامگاهی یافت. به عبارتی این آرامگاه ها تلفیقی از ساختار معماری چادر و تپه های تدفینی هستند که فرم معماری خود را از چادر و محل دفن جسد را نیز به روش کورگان ها، که به صورت سردابه نمود یافته استالگوپردازی کرده اند.

منابع

- ایتینگهاوزن، ریچارد؛ گرابر، الگ. (1378). هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات سمت
- پوپ، آرتور. (1388). معماری ایران. ترجمه غلامحسین صدری افشار، چاپ هشتم، تهران: نشر اختران.
- زمرشیدی، حسین. (1374). مسجد در معماری ایران، تهران: انتشارات کیهان.
- زهتایی، محمد تقی. (1381). ایران تورکلرینین اسکی تاریخی، جلد ۱. تبریز: نشر اختر.
- شایگان، داریوش. (1383). بت های ذهنی و خاطره ازلی. تهران: نشرامیر کبیر.
- شوالیه، ژان، گربران، آلن. (1388). فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی. جلد ۳. تهران: انتشارات جیحون.
- شوالیه، ژان، گربران، آلن. (1387). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضایی. جلد ۵. تهران: انتشارات جیحون.
- کیانی، محمد یوسف. (1391). معماری ایران دوره اسلامی. چاپ دهم. تهران: انتشارات سمت .
- گدار، اندره. گدار، یدا. (1367). آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم. مشهد: آستان قدس رضوی.
- گیرشمن، رومن. (1382). فرهنگ های هنری ایران: ماقبل تاریخ، هنرهای مادی، هنر هخامنشی، هنر پارتی. ترجمه یعقوب آژند. چاپ دوم. تهران: انتشارات مولی.
- هیلن برند، روبرت. (1387). معماری اسلامی. ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات روزنه .